

The Offence of Acid Attack in the Context of New Legal Developments with Special Reference to the Iranian Aggravation of Punishment of Acid Attack and Support of Its Victims Act 2019

Mohammad Ashouri

Emeritus Professor of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran

Negin Haghighat*

MA in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Tehran (Central Branch), Tehran, Iran

Abstract


Acid attack, as anti-social behavior, is a serious crime carrying severe punishment under most legal systems. The severe damage caused to the public order and the harm caused to the victims of this crime necessitates severe punishment and supportive measures for the victim. This paper examines the measures taken by the newly enacted law as an attempt to prevent the commission of this heinous crime and to support its victims. Adopting a descriptive and analytical method, this paper considers the legislative background of this crime and examines its constituent elements under the new law. It further examines the effect of aggravation of punishment, prohibition of applying leniency institutions, aggravation of abettor's punishment, and the adoption of preventive measures in reducing the occurrence of this crime. The paper further emphasizes the need to provide physical and psychological support to the victims of the crime, which was not provided in previous legislation. The conclusion is as follows: despite the positive steps taken in the newly enacted law, in the sense of increasing the punishment of offenders, and providing supportive measures for the victims, further measures are still needed to ensure the prevention, and especially situational prevention of this crime such as identification of acid buyers and registration of all such transactions and to fight it while supporting the victims more effectively.

Keywords: Acid Attack, Aggravation of Punishment, Support, Victim, Situational Prevention.


* Corresponding Author: negin.haghighat@yahoo.com

جرم اسیدپاشی در بستر تحولات قانونی با نگاهی به «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸»

استاد بازنشسته گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد آشوری 

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه
آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

نگین حقیقت *

چکیده

اسیدپاشی در بیشتر نظام‌های حقوقی به عنوان یک پدیده ضد اجتماعی جرم‌انگاری شده و برای مرتکب آن، مجازات‌های سنگینی پیش‌بینی شده است. با توجه به آسیب شدید به نظم اجتماعی و بزهدیدگان این جرم، علاوه بر افزایش بازدارندگی کیفر، حمایت از بزهدیدگان نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. این نوشتار در راستای ارزیابی تدابیری است که به منظور کاهش میزان ارتکاب جرم اسیدپاشی و نیز حمایت از بزهدیدگان به موجب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸» پیش‌بینی شده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن اشاره به سابقه قانونگذاری جرم اسیدپاشی و ارکان تشکیل‌دهنده آن به تأثیر افزایش کیفر، ممنوعیت نهادهای ارفاقی و تدابیر پیشگیرانه بر کاهش ارتکاب جرم می‌پردازد. همچنین، بر لزوم ارائه راهکارهای حمایت‌گرانه جسمی و روانی نسبت به بزهدیدگان، که در قوانین پیشین مغفول مانده بود، تأکید می‌کند. این نوشتار نتیجه می‌گیرد که هر چند قانون مصوب در جهت تشدید کیفر اسیدپاشی و پیش‌بینی برخی جنبه‌های حمایت‌گرانه گام‌های مثبتی برداشته است، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه بیشتر، به ویژه در حوزه پیشگیری وضعی نظیر احراز هویت خریداران اسید و ثبت تمام معاملات مربوط به آن ضروری است.

کلیدواژه‌ها: اسیدپاشی، تشدید مجازات، حمایت، بزهدیده، پیشگیری وضعی.

مقدمه

قانون مظهر اراده عمومی و خاستگاه آن، نیازهای جامعه است. گاه قانون بر اثر گذر زمان نمی‌تواند پاسخگوی این نیازها باشد و به تدریج اثربخشی خود را از دست می‌دهد. به دیگر سخن، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک قاعده حقوقی، پاسخگویی به نیازهای فعلی جامعه است.^۱ قانونگذاران هر کشوری همواره سعی دارند قوانین آن را با در نظر گرفتن احتیاجات زمان وضع نمایند (امامی، ۱۳۸۷: ۴). قانون در صورتی می‌تواند منعکس‌کننده نظر اکثریت، تأمین‌کننده منفعت عموم، کارآمد، انجام‌شدنی و پیشرو باشد که در ارتباط مستقیم با نیازهای جامعه باشد و در صدد رفع آنها برآید (راسخ، ۱۳۸۵: ۲۷). وضع قوانین سازگار با نیازهای روز از شاخص‌های اصلی یک نظام حقوقی کارآمد محسوب می‌شود. این مسئله به ویژه در حقوق کیفری و قوانینی که با جرایم علیه اشخاص ارتباط دارند اهمیتی دوچندان می‌یابد. اسیدپاشی یکی از مهم‌ترین جرایم در این حوزه شناخته می‌شود که بیش از شصت سال از تصویب نخستین قانون مربوط به آن در ایران سپری شده است. منسوخ بودن بخش نخست ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ و همچنین خلأ تدابیر حمایت‌گرانه، ضرورت بازنگری در قانون و جبران کاستی‌های حمایتی را ایجاب می‌نمود. در همین راستا، به جهت افزایش بازدارندگی مجازات و نیز ضرورت حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی، «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۹۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.^۲

قانون «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» دو هدف اساسی را دنبال می‌کند: نخست تشدید مجازات اسیدپاشی است و دوم رویکرد حمایت‌گرانه از

۱. روسو در کتاب «قرارداد اجتماعی» بیان می‌دارد: «اگر قوانین با نیازها منطبق نشوند، می‌توانند زیان‌بار باشند و مکانیسم‌های مواجهه با بحران را در جامعه نابود سازند». به عقیده وی بهترین قانون آن است که مناسب‌ترین قانون برای رفع نیازهای کشور باشد.

۲. «طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» در قالب (۷) ماده و (۴) تبصره تدوین شد و در اسفند ماه ۱۳۹۶ به هیئت رئیسه مجلس تقدیم و اعلام وصول شد؛ این طرح در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به تصویب رسید. نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۲۰۶ رأی موافق از ۲۳۰ نماینده حاضر (رأی ۹۰ درصدی) در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ با کلیات طرح موافقت نمودند و سرانجام پس از دو مرتبه اعاده از سوی شورای نگهبان و رفع ایرادات آن از طرف مجلس در جلسه ۲۱ مهرماه ۱۳۹۸ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۱ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

بزه‌دیدگان این جرم است که در قانون سال ۱۳۳۷ نادیده گرفته شده بود. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی با پیش‌بینی مقرراتی به منظور حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان، ضرورت اتخاذ راهکارهای غیر کیفری در کنار شدت بخشیدن به کیفر را مورد توجه قرار داده است. این تدابیر شامل مواردی از جمله پرداخت هزینه‌های درمان و ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی به بزه‌دیدگان و رسیدگی خارج از نوبت به دعوی اسیدپاشی می‌شوند. تشدید مجازات و حمایت‌های جسمانی و روانی از بزه‌دیده تنها بخشی از کاستی‌های موجود را برطرف می‌نماید؛ این در حالی است که از منظر علت‌شناسی و ریشه‌یابی این پدیده، دسترسی آزادانه به اسید و سایر ترکیبات شیمیایی یکی از عوامل اصلی وقوع این جرم است.^۱

پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که تدابیری که به منظور کاهش میزان ارتکاب جرم اسیدپاشی و نیز حمایت از بزه‌دیدگان به موجب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» پیش‌بینی شده‌اند چگونه ارزیابی می‌شوند؟ نخستین فرضیه‌ای که در این خصوص مطرح می‌شود این است که این قانون با افزایش کیفر و ارائه راهکارهای حمایت‌گرانه جسمانی و روانی نسبت به بزه‌دیده، قانونی اثربخش به نظر می‌رسد که کاستی‌های قوانین کیفری پیشین را در این حوزه برطرف نموده است.^۲ با توجه به تغییرات گسترده قانون جدید، این نوشتار به منظور تبیین خلأهای قانون پیشین و چرایی و چگونگی تغییر مواد و مقررات حاکم بر اسیدپاشی، پس از اشاره کوتاهی به سابقه قانونگذاری در این حوزه و ارکان تشکیل‌دهنده این جرم، به چگونگی افزایش کیفر و دلایل لزوم حمایت مادی و معنوی از بزه‌دیدگان این جرم پرداخته و در کنار آن، توجه خود را به راهکارهای

۱. دو پیشنهاد مبنی بر ضابطه‌مند نمودن معاملات مربوط به اسید و سایر ترکیبات شیمیایی با غلظت بالا از جمله ارائه مدارک شناسایی از سوی خریداران عمده و ذینفعان واقعی و یا ثبت شماره سریال محصولات و مشخصات اشخاص متقاضی نیز در جلسه مورخ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۸ مجلس به منظور الحاق به طرح مذکور ارائه گردید، اما مورد پذیرش قانونگذار قرار نگرفت. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دوره دهم، اجلاس چهارم، جلسه ۳۲۹)).

۲. هرچند کاستی‌های این قانون در توجه کافی به رویکردهای پیشگیرانه باید به نحو مقتضی جبران شود، می‌توان با تصویب قوانین مستقل و یا ضمن قوانین جزایی، اقدامات پیشگیرانه را در خصوص بزه‌دیدگان کلیه جرایم خشونت‌آمیز نظیر اسیدپاشی پیش‌بینی نمود.

پیشگیرانه معطوف داشته است تا تمام جوانب سیاست جنایی در برخورد با پدیده مجرمانه اسیدپاشی مورد تحلیل قرار گیرند.

۱. سابقه قانونگذاری جرم اسیدپاشی

نخستین مورد اسیدپاشی در ایران در سال ۱۳۳۴ رخ داد.^۱ چند سال بعد، وقوع موارد بیشتر به تصویب «ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید» مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ انجامید.^۲ به موجب این قانون، برای مرتکب اسیدپاشی، در صورتی که منجر به قتل مجنی علیه شود، مجازات اعدام و در سایر موارد با توجه به میزان آسیب وارد شده به شخص، حبس از دو سال تا ابد پیش بینی شده بود. پس از انقلاب اسلامی و تدوین قوانین ناظر بر حدود و قصاص، اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه طی یک نظریه مشورتی،^۳ قسمت نخست لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ در مورد کیفر اعدام را با توجه به قانون مجازات اسلامی منسوخ اعلام نمود، ولی قسمت اخیر ماده واحده و همچنین مجازات شروع به جرم همچنان معتبر بود. بدین ترتیب، به موجب قانون مجازات اسلامی، از جمله ماده ۱۶، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع، قصاص است و نیز در سایر مواد مربوط به قصاص نفس یا عضو از جمله مواد ۳۸۱ و ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی، مجازات قصاص جایگزین مجازات اعدام مذکور در ماده واحده شد.

بنابراین تا پیش از تصویب قانون جدید، تنها قسمت نخست ماده واحده سال ۱۳۳۷ که به بیان مجازات اعدام پرداخته به موجب قانون مجازات اسلامی نسخ شده بود، ولی بخش اخیر

۱. بین سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ چند مورد اسیدپاشی در تهران و شهرستان‌ها اتفاق افتاد. در یکی از آن موارد، طرف جرم یکی از قضات دادگستری بود. مرتکب جرم هم کسی بود که در سابق به وسیله آن قاضی به حبس محکوم شده بود (پاد، ۱۳۸۱: ۹۶).

۲. متن این ماده واحده بدین شرح است: «هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضاء بشود به حبس مجرد از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود بحبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع پاشیدن اسید به اشخاص حبس مجرد از دو سال تا پنج سال است. در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست».

۳. نظریه شماره ۳۴۳۷/۷- مورخ ۱۳۸۲/۵/۴.

آن همچنان به دلایلی متعدّد معتبر باقی مانده بود.^۱ نخستین دلیل اعتبار این بود که به استناد اصل عدم نسخ قوانین، هر قانونی که وضع می‌شود معتبر است، مگر آنکه دلیلی مبنی بر نسخ وجود داشته باشد. همچنین، قانون عامّ مؤخّر الزاماً ناسخ قانون خاصّ مقدّم نیست.^۲ بدین ترتیب، با توجه به خاص بودن این ماده واحد، نمی‌توان کلّ مفادّ آن را به موجب مقرّرات عامّ مؤخّر از جمله موادّ ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در مورد جرم قتل و ضرب و جرح عمدی در موارد عدم امکان قصاص منسوخ دانست (آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۳۱۱؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

اگرچه قانون مذکور برای آن مقطع زمانی از حیث کیفرهای پیش‌بینی شده متناسب به نظر می‌رسید، بازنگری و اصلاح آن به جهت نسخ بخش نخست آن در مورد مجازات اعدام و نیز خلأ تدابیر غیر کیفری و حمایت‌گرانه امری ضروری بود. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ضمن نسخ صریح ماده واحد سال ۱۳۳۷ به تشدید کیفر مباشر و معاون جرم پرداخته و در راستای جبران کاستی‌های حمایتی، راهکارهایی را به منظور جبران خسارت‌های مادی و معنوی بزهدیده پیش‌بینی نموده است.

۲. ارکان تشکیل دهنده جرم اسیدپاشی

جرایم به طور کلی دارای عناصر تشکیل دهنده مشترکی هستند. به لحاظ حقوقی برای اینکه رفتار انسان جرم به شمار آید نخست، باید قانونگذار این رفتار را جرم شناخته باشد و کیفری برای آن مقرر کرده باشد، که به آن رکن قانونی گفته می‌شود؛ دوّم، فعل یا ترک فعل مشخص به منصفه ظهور یا به مرحله فعلیت برسد، که به آن رکن مادی گفته می‌شود؛ و سوّم

۱. نظریه شماره ۳۴۳۷/۷- مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه نیز اعتبار قسمت اخیر ماده واحد را تأیید می‌کند.

2. lex specialis derogat generali (specialia generalibus derogant).

۳. پس از انقلاب، عده‌ای اعتقاد داشتند ماده واحد منسوخ شده است. پس از سال‌ها، اداره حقوقی قائل به نسخ صدر آن شد. کسانی که قائل به نسخ کلی این لایحه بودند موضوع را با ماده ۲۶۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ منطبق می‌دانستند. برخی دیگر نیز به اشتباه به ماده ۶۱۴ ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) استناد می‌کردند، اما ظاهراً این لایحه جز صدر آن نسخ نشده است و همچنان لازم‌الاجراست. پس، جنبه عمومی این جرم به قوت خود باقی است (شفیعی خورشیدی، رئیس شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۵۵).

اینکه با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد، که همان رکن روانی است (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این ارکان سه گانه در رابطه با جرم اسیدپاشی به تفکیک بررسی می شوند.

۱-۲. رکن قانونی

قانون «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» متشکل از دو بخش تشدید کیفر و حمایت از بزه‌دیده است. قانونگذار با تصویب این قانون در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۱ و نسخ صریح ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید و با پیش‌بینی راهکارهای حمایت‌گرانه کیفری و غیر کیفری بسیاری از خلأهای قانون سال ۱۳۳۷ را برطرف کرده است. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی علاوه بر تعیین مجازات قصاص نفس یا عضو و اعدام با رعایت شرایط قانون مجازات اسلامی، با پیش‌بینی حبس‌های تعزیری درجه یک تا چهار بر اساس میزان دینه اعضای صدمه‌دیده، ممنوع کردن اعمال نهادهای ارفاقی و تشدید مجازات معاونت در جرم، در جهت تناسب بیشتر جرم و مجازات گام برداشته است.^۱ همچنین، با وضع مقرراتی به منظور حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان، ضرورت اتخاذ راهکارهای غیر کیفری در کنار شدت بخشیدن به کیفر را مورد توجه قرار داده است. این تدابیر شامل مواردی از جمله پرداخت هزینه‌های درمان و ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی به بزه‌دیدگان و رسیدگی خارج از نوبت به دعاوی اسیدپاشی می شوند.

۲-۲. رکن مادی

۱-۲-۲. رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی برای تحقق عنصر مادی این جرم عبارت از «پاشیدن» اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر است. از نوآوری‌های قانون جدید، ارائه تعریف دقیق از عنصر مادی جرم اسیدپاشی با تبیین مصادیق آن است. مطابق ماده ۱ قانون: «هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب

۱. ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مصادیق قانونی خاص را که در آنها برای معاونت در جرم مشخص تحت همین عنوان مجازات تعیین شده نسخ کرده است، که در مبحث مربوط به مجازات معاون به آن پرداخته شده است.

قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود. تبصره ۱- ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است». بدین ترتیب، هرگونه بکارگیری اسید مشمول ماده ۱ قانون می‌شود و ابهامی که در قانون پیشین وجود داشت و بر مبنای تفسیر مضیق قوانین کیفری به نظر می‌رسید که فقط پاشیدن اسید به معنای اخص کلمه جرم‌انگاری شده بود، رفع شده است. تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور، به صورت تمثیلی، اعمالی از جمله ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی و یا فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و نظیر آن را در حکم اسیدپاشی دانسته و در واقع دایره شمول جرم اسیدپاشی را توسعه داده است. هرچند برخی از حقوق‌دانان معتقد بودند که نباید به منطوق «پاشیدن» محدود بود، و اقداماتی مانند ریختن اسید، خوراندن اسید یا فرو کردن فرد درون اسید را نیز مترادف پاشیدن تلقی می‌کردند (زندگی، او جاقلو، ۱۳۹۵: ۵۶). لیک از آنجا که در قوانین کیفری باید به تفسیر در حد قدر متیقن و مسلم متون قانونی اکتفا نمود و توسعه مصادیق بدون وجود تصریح قانونی مورد پذیرش نیست، باید گفت رفتارهایی مانند خوراندن یا تزریق کردن اسید از شمول «قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷» خارج بودند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۰۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

۲-۲-۲. شرایط و اوضاع و احوال

وسیله ارتکاب جرم «اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر» است. یکی از مواردی که تفاسیر مختلفی را در مورد قانون پیشین باعث می‌شد، موضوع میزان غلظت اسید و ترکیبات شیمیایی بود. تا جایی که برخی بر این باور بودند که اگر این مایع به میزانی رقیق باشد که نتواند اثرات زیان‌بار اسید را داشته باشد از شمول ماده واحده خارج می‌شود. در فرآیند تصویب قانون جدید، عبارت «با هر میزان غلظت» برای پایان دادن به برداشت‌های مختلف افزوده شد. بدین ترتیب، به طور قطع پاشیدن هر گونه اسید و ترکیبات شیمیایی به هر میزان و کیفیت مشمول قانون است.

۱. رفتار فیزیکی اسیدپاشی در ماده واحده پاشیدن اسید است؛ یعنی قانونگذار در سال ۱۳۳۷ صرفاً «پاشیدن اسید» را مشمول آن دانسته است. پس خوراندن اسید یا تزریق کردن آن مشمول این ماده واحده نیست و رفتار مادی این جرم را محقق نمی‌کند. این رفتارها ممکن است مشمول ورود جنایت به دیگری باشند (متین راسخ، مستشار دادگاه کیفری یک استان تهران، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۳۰).

۲-۲-۳. نتیجه

نتیجه لازم برای تکمیل عنصر مادی این جرم، تحقق جنایت بر نفس، عضو یا منفعت است. صرف مبادرت به پاشیدن اسید در صورتی که عمل مرتکب منجر به هیچگونه آسیبی نشود، به موجب بندهای (الف) و (ب) ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، می تواند با وجود شرایط، تحت عنوان شروع به جرم، حسب مورد، موجب محکومیت به حبس تعزیری درجه چهار یا پنج گردد.

۲-۳. رکن روانی

با توجه به تصریح ماده ۱ قانون، عنصر روانی این جرم عمد در ارتکاب است و لازم است که مرتکب به ماهیت ماده ای که پاشیده می شود آگاه باشد. با وجود این، سوءنیت خاص، یعنی قصد نتیجه، شرط نیست و سوءنیت عام یا قصد پاشیدن اسید کافی است. بنابراین، کسی که صرفاً به قصد ترساندن بر روی صورت دیگری اسید می پاشد، در صورت نایبنا شدن وی، به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد، هر چند قصد خاص این نتیجه را نداشته باشد^۱ (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

۳. واکنش کیفری به اسیدپاشی

بهبود فرآیند عدالت کیفری مستلزم برخورد مؤثر با مرتکبان جرم و قطعیت کیفر به منظور افزایش بازدارندگی مجازات است. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن، ضمن ارجاع به مقررات مربوط به قصاص و اعدام به موجب شرایط مقرر در قانون مجازات اسلامی، با افزایش مجازات حبس تعزیری و ممنوعیت نهادهای ارفاقی، نسبت به قوانین پیشین رویکردی سختگیرانه تر داشته است. انواع واکنش‌های کیفری مذکور در قانون مورد بحث به شرح زیر هستند:

۱. البته توجه به مفاد ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در این مورد شاید ما را به برداشت دیگری رهنمون سازد.

۳-۱. قصاص نفس یا عضو یا منفعت

اسیدپاشی از مصادیق جرایم علیه اشخاص است.^۱ به موجب ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، پاشیدن عمدی اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت که موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود، در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم، حسب مورد، با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، موجب قصاص نفس، عضو یا منفعت می شود. بر اساس مقررات موجود در کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی از جمله مواد ۲۸۹، ۳۸۱ و ۳۸۶، مجازات جنایت عمدی بر نفس، عضو و منفعت، قصاص است. بنابراین، در فرضی که اسیدپاشی منجر به مرگ مجنی علیه شود، طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، در صورت تقاضای ولی دم با رعایت شرایط عمومی قصاص، مندرج در کتاب سوم قانون مجازات اسلامی، قصاص نفس و در صورت ایراد جنایت عمدی بر عضو، به موجب ماده ۳۸۶، قصاص عضو و در شرایطی که جنایت بر منافع عضو وارد شود قصاص منفعت اجراء می شود و در فرضی که قصاص ممکن نباشد، مطابق ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، از حیث دیه و تعزیر عمل می شود.

۳-۲. دیه یا ارش یا وجه المصالحه

به موجب ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص اجراء نشود، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه المصالحه بر اساس میزان دیه جنایت، حبس تعزیری از درجه یک تا چهار برای مرتکب تعیین شده است. بر اساس مقررات موجود در مواد ۴۴۸ و ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی، در جنایت عمدی که به هر جهت مجازات آن قصاص نباشد یا مواردی که قصاص در آن جایز یا ممکن نباشد، به درخواست مجنی علیه یا ولی دم، دیه پرداخت می شود. مطابق ماده ۴۴۹ در مواردی که تعیین دیه امکان پذیر نباشد، با لحاظ نوع و کیفیت جنایت با در نظر گرفتن دیه مقدر و سایر شرایط با جلب نظر کارشناس، ارش پرداخت می شود. همچنین، در صورت توافق بین طرفین ممکن است مطابق ماده ۳۶۱، مبلغی کمتر یا زیادتر از آن به عنوان وجه المصالحه جایگزین دیه شود.

۱. برخی از حقوقدانان اسیدپاشی را از مصادیق جرایم تعزیری دانسته و در مبحث مربوط به تعزیرات به آن پرداخته اند (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۳۰۲؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۰۱). دکتر ابراهیم پاد در کتاب حقوق کیفری اختصاصی (جرایم بر ضد اشخاص)، اسیدپاشی را در مبحث «مجازات صدمات بدنی عمدی» زیر عنوان «قتل به وسیله اسید پاشیدن» آورده اند (پاد، ۱۳۸۱: ۹۶).

در جرم اسیدپاشی غالباً، به دلیل مایع بودن اسید و امکان سرایت آن به سایر نواحی، از آنجا که شرایط قصاص عضو مقرر در ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی از جمله تساوی قصاص با مقدار جنایت ممکن نیست و خوف صدمه بر عضو دیگر وجود دارد، در صورت عدم امکان همسان‌سازی، به استناد قسمت اخیر ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی، قصاص عضو ساقط می‌شود و حسب مورد دیه، ارش یا وجه‌المصالحه تعلق می‌گیرد. علاوه بر این، در شرایطی که قصاص امکان‌پذیر باشد با توجه به اینکه اغلب بزهدیدگان اسیدپاشی زنان هستند، یکی از موانع احقاق حق این بزهدیدگان، اعمال قاعده تفاضل دیه به دلیل تفاوت جنسیتی مرتکب و بزهدیده است^۱ (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۷).

۳-۳. اعدام

به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در صورتی که اسیدپاشی به طور گسترده انجام شود، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد گردد، مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی افساد فی الارض محسوب می‌شود و موجب محکومیت مرتکب به اعدام می‌گردد؛ البته در تحقق این جرم «گسترده‌گی» شرط لازم است و بدین ترتیب نمی‌توان مواردی را که در آنها تعداد بزهدیدگان کم است مشمول افساد فی الارض دانست. عنوان افساد فی الارض خود بیانگر آن است که وقوع این جرم نیازمند نوعی گسترده‌گی و وسعت دامنه ارتکاب است. به نظر می‌رسد مواردی نظیر اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای سال ۹۳ اصفهان را که با گزارش چندین مورد اسیدپاشی در بازه زمانی کوتاهی موجب اختلال گسترده و شدید در نظم و امنیت جامعه شده بود بتوان به عنوان یکی از مصادیق افساد فی الارض دانست؛ اگرچه مرتکبان آن شناسایی نشدند و با صدور حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال، پرونده مختومه اعلام شد. تا کنون در این خصوص در رویه قضایی آرای متفاوتی صادر شده‌اند. برای نمونه، شعبه ۲۷ دادگاه انقلاب فرد اسیدپاش را که در سال ۱۳۷۸ به قصد انتقام‌گیری از دختر مورد علاقه‌اش وی و

۱. به موجب ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص‌شونده است، صاحب حق قصاص، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است». ماده ۳۸۸: «زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می‌شود».

خواهرش را مورد اسیدپاشی قرار داده بود به جهت ایجاد رعب و وحشت و جریحه‌دار شدن احساسات عمومی مفسد فی الارض شناخت و مجازات اعدام را برای وی در نظر گرفت. این رأی توسط شعبه ۷۱ دیوان عالی کشور تأیید و اجراء شد؛^۱ در حالی که برای تحقق این جرم مطابق ماده ۱۸۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰، استفاده از سلاح شرط بوده است. این برداشت‌های متفاوت دادگاه‌ها در شرایط مشابه موجب شد که قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، صرفاً مواردی را که مشمول مقررات ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی هستند و به طور گسترده موجب اخلال شدید در نظم عمومی می‌شوند افساد فی الارض محسوب کند.^۲

دیدگاهی نیز وجود دارد که اسیدپاشی را در صورتی که موجب ناامنی گردد مصداق محاربه می‌داند، در حالی که این دیدگاه به دو دلیل قابل قبول به نظر نمی‌رسد: نخست آنکه بر اساس ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار بکارگیری سلاح را برای تحقق محاربه شرط دانسته است.^۳ در صورتی که بر اساس قوانین جاری و همچنین مراجعه به عرف، اسید را نمی‌توان سلاح محسوب نمود؛ از جمله می‌توان به تبصره الحاقی ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در فصل سرقت اشاره نمود که به بیان مصادیق سلاح می‌پردازد و انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک و نیز اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس را مشمول آن دانسته است. همچنین، مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۸، که به تعریف انواع اسلحه و مهمات می‌پردازد، اسید به عنوان سلاح شناخته نشده است.^۴ بر اساس بند (ر) ماده مذکور، مواد شیمیایی در فهرست اقلام و مواد

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به (نظری توکلی، سعید و کراچیان ثانی، فاطمه، ۱۳۹۹: ۱۲۵)

۲. تبصره ۲ ماده ۱: در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ باشد، اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود.

۳. ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود».

۴. بند (ر) ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۸ در تعریف اقلام و مواد تحت کنترل بیان می‌دارد: «ر- اقلام و مواد تحت کنترل: اقلام، مواد و تجهیزاتی که تولید، ساخت، مونتاژ، واردات، صادرات، ترانزیت (عبور)، ترخیص، حمل، نگهداری و هرگونه معامله آنها تحت

تحت کنترل قرار گرفته و نمی‌توان آنها را سلاح محسوب نمود.^۱ با توجه به اینکه اثرات زیان‌بار ناشی از اسید به مراتب از بسیاری از مصادیق اسلحه مندرج در قوانین فراتر است، انتظار می‌رود قانونگذار در اصلاحات بعدی قانون، اسید و سایر ترکیبات شیمیایی را از مصادیق سلاح محسوب نماید. دوّم آنکه در جرم اسیدپاشی، عمل مرتکب معمولاً جنبه عمومی ندارد و مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی و نیز نظر مشهور فقها، کشیدن سلاح با انگیزه شخصی و به سوی یک یا چند شخص خاص محاربه محسوب نمی‌شود. در تحریرالوسیله، محارب کسی است که برای ترساندن مردم سلاح می‌کشد (موسوی همدانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۵۸۲)، که اکثر فقهای دیگر نیز با این نظر موافق هستند.

۳-۴. تعزیر

جرم اسیدپاشی علاوه بر جنبه خصوصی، به دلیل آسیب شدید به نظم اجتماعی از جهت جنبه عمومی جرم از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موضوع در ماده ۲ قانون پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده: «هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف- در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده، به حبس تعزیری درجه یک؛ ب- در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ پ- در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ ت- در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار».

بدین ترتیب، میزان مجازات مقرر در قانون نسبت به مجازات مقرر در قانون سال ۱۳۳۷ تشدید شده است. از این منظر، این ماده با طبقه‌بندی مجازات تعزیری بر اساس میزان دیه، گامی مثبت در جهت نیل به اصل تناسب جرم و مجازات محسوب می‌شود، به ویژه آنکه

کنترل می‌باشد از قبیل انواع موادّ محترقه، ناریه، منفجره، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بی‌هوش‌کننده، بی‌حس‌کننده، اشک‌آور، شوک‌دهنده‌ها و تجهیزات نظامی و انتظامی».

۱. اگرچه اسیدپاشی یک پدیده مجرمانه‌خوشونت‌آمیز است، در تحلیل آن نباید گرفتار عوام‌گرایی کیفری شد و اصل تفسیر مضیق و یا به نفع متهم را کنار گذاشت و با تفسیر موسّع اسید را سلاح محسوب نمود (شیری، نشست بررسی ابعاد حقوقی- جرم‌شناختی جرم اسیدپاشی، ۲۵ آبان ۹۳، دانشگاه تهران).

مجازات جنایتی که منتهی به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده شود هم‌سطح با مجازات جنایت بر نفس در نظر گرفته شده است. همانطور که بیان شد ماده واحده سال ۱۳۳۷، جز بخش نخست آن در مورد مجازات اعدام، تا پیش از تصویب قانون تشدید مجازات اسیدپاشی معتبر بود. با این حال، دادگاه‌ها در صدور آرای قضایی در این خصوص از رویه واحدی تبعیت نمی‌کردند. برخی دادگاه‌ها با توجه به تصویب قوانین کیفری پس از انقلاب اسلامی، ماده واحده سال ۳۷ را منسوخ ضمنی می‌دانستند و در موارد عدم امکان اعمال قصاص نفس یا عضو با استناد به مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مبادرت به صدور رأی می‌کردند. بنابراین، مرتکب اسیدپاشی در صورت عدم اجرای قصاص در فرض مرگ مجنی‌علیه، به تحمل حبس از سه تا ده سال و در صورت نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه و عدم امکان قصاص، به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شد. در برخی موارد نیز دادگاه‌ها با عقیده بر اینکه قانون عام مؤخر الزاماً نمی‌تواند قانون خاص مقدم را نسخ کند، مرتکب را به استناد ماده واحده سال ۱۳۳۷ حسب مورد با توجه به آسیب وارد شده به حبس ابد، دو تا ده سال یا دو تا پنج سال محکوم می‌کردند. برای نمونه در پرونده آمنه بهرامی، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور ضمن تأیید رأی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان در خصوص قصاص هر دو چشم و پرداخت دیه و ارش صدمات دیگر، اظهار می‌دارد که دادگاه از صدور حکم طبق مقررات ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ غفلت نموده و ایجاب می‌کند رأی تکمیلی صادر کند.^۱ سپس، دادگاه به استناد ماده واحده ۱۳۳۷، از حیث جنبه عمومی جرم به ده سال حبس و پنج سال تبعید به عنوان مجازات تکمیلی رأی داد.^۲ در پرونده محسن مرتضوی، شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان در سال ۹۲، به قصاص چشم راست و لاله گوش راست و پرداخت دیه و ارش و از جهت جنبه عمومی به اشتباه به تبصره ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی استناد کرده و به یک سال حبس تعزیری حکم داده بود که پس از نقض رأی، به موجب رأی شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان به استناد ماده ۶۱۴ ق.م.ا به سه سال حبس افزایش یافت.^۳ هرچند با توجه به

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به دادنامه شماره ۳۳۸۶۳، مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۳۰، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به دادنامه شماره ۱۱۸، مورخ ۱۳۸۷/۹/۹، شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران.

۳. نشست نقد رأی با موضوع اسیدپاشی (نقد و بررسی رأی پرونده محسن مرتضوی)، ۳۰ آذر ۹۵، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

شدت جنایت ارتكابی و اینکه مرتكب قصد قتل وی را نیز داشته دادگاه می‌توانست با توجه به مقررات مواد ۶۱۳ و ۶۱۴ (شروع به قتل و ضرب و جرح عمدی) که در آن زمان حاکم بود از حیث تعدد معنوی به مجازات اشد (پنج سال حبس) حکم دهد. در پرونده دیگری شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی شهرری، مستند به ماده واحده ۱۳۳۷ از حیث جنبه عمومی جرم به سه سال حبس تعزیری رأی داد.^۱ جرم اسیدپاشی به جهت خشونت آمیز بودن و اثرات بلندمدت آن بر حیات فردی و اجتماعی بزه‌دیده نظم عمومی را برهم می‌زند و باید آن را فراتر از یک جنایت علیه نفس یا عضو دانست. عدم توجه کافی به جنبه عمومی جرم با نگاه به رویه قضایی، بیانگر ناکارآمدی سیاست جنایی تا پیش از این بوده است. در حال حاضر ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، ضمن تفکیک مجازات تعزیری این جرم با نگاه به میزان دیه و آثار برجای مانده از جنایت، با تشدید مجازات یکی از ایرادهای وارد بر قوانین کیفری پیشین مبنی بر عدم تناسب کیفر با جرم را برطرف نموده است.

در تعیین مجازات شروع به جرم اسیدپاشی نیز رویه قضایی تا پیش از تصویب این قانون رویکردی واحد نداشت؛ هرچند بیشتر دادگاه‌ها مقررات ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی را در خصوص شروع به جرم حاکم دانسته و معتقد بودند قانونگذار با تصویب این ماده کلیه مجازات‌های شروع به جرایم تعزیری را مضمول مقررات آن قرار داده است. نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز این نظر را تأیید می‌کند.^۲ برخی دیگر به عدم نسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزایی در خصوص تعیین مجازات شروع به جرم اعتقاد داشتند. برای نمونه، شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی پیشوا در خصوص شروع به اسیدپاشی به استناد ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید، مرتكب را به یک سال حبس تعزیری محکوم نمود.^۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی با نسخ این ماده واحده، به اختلاف رویه قضایی در خصوص مجازات شروع به این جرم پایان داد. به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نیز مصادیق قانونی خاص که در آنها برای شروع به جرم مشخص تحت همین عنوان مجازات تعیین شده نسخ گردیدند. قانونگذار در مواد ۳ و ۴ نیز با پیش‌بینی مقرراتی در جهت افزایش کیفر معاونت و ممنوعیت نهادهای ارفاقی، رویکردی سختگیرانه‌تر نسبت

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۵۱۸۰۰۰۲۵، مورخ ۱۳۹۲/۱/۶، شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی شهرری.

۲. نظریه شماره ۹۶۴/۹۲/۷، مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه.

۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به دادنامه شماره ۶۰۰۵۹۸، مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲، شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی پیشوا.

به قانون پیشین اتخاذ کرده است. مجازات تعزیری ممکن است علیه مباشر یا معاون جرم اعمال شود که به تفکیک بررسی می‌شود.

۳-۴-۱. مجازات مباشر

یکی از مواردی که در قانون جدید پیش‌بینی شده تشدید مجازات مباشر در جرم اسیدپاشی است. طبق ماده ۲ قانون، هرگاه کسی مرتکب جرم اسید پاشی شود و به موجب قانون، حکم آن قصاص نباشد یا به هر علت مانند فقدان یا گذشت شاکی قصاص اجراء نشود، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه، در موارد جنایت بر نفس و یا جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده، حبس تعزیری درجه یک و در سایر موارد بر حسب میزان دیه آن، حبس‌های درجه دو تا چهار پیش‌بینی گردیده است.^۱ شواهد موجود نشان می‌دهند که اغلب مرتکبان سعی می‌کنند اسید را روی صورت افراد پاشند تا بزه‌دیده، ظاهر و زیبایی خود را برای همیشه از دست بدهد (فلاح ماکرانی، ۱۳۹۱: ۱۷). یکی دیگر از نکات قابل توجه در این ماده، تفکیک مجازات تغییر شکل دائمی صورت از سایر اعضای بدن است. با توجه به اهمیت و حساسیت صورت نسبت به سایر اعضا، میزان مجازات تعزیری برای جنایتی که منجر به تغییر شکل دائمی آن شود همانند مجازات جنایت بر نفس در نظر گرفته شده است. به موجب بند (الف) ماده ۲ مجازات حبس تعزیری درجه یک (بیش از بیست پنج سال) برای مرتکب پیش‌بینی شده است.

۳-۴-۲. مجازات معاون

تشدید مجازات معاونت در اسیدپاشی یکی دیگر از نوآوری‌های قانون جدید است. امکان دسترسی آزاد و آسان به اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی و نقش مؤثر معاون جرم که با تهیه یا ساخت اسید و یا ارائه طریق موجب تسهیل ارتکاب جرم می‌شود از جمله دلایل تشدید

۱. ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف- در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛ ب- در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ پ- در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ ت- در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار».

مجازات معاونت در این قانون است. بر اساس ماده ۴ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، مجازات معاونت در اسیدپاشی نسبت به مقررات عامّ مربوط به مجازات معاونت در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی افزایش یافته است.^۱ بدین ترتیب، مجازات معاونت در صورتی که مجازات مرتکب سلب حیات باشد حبس تعزیری درجه دو و در شرایطی که مجازات قانونی قصاص عضو باشد، حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که مجازات قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، یک درجه پایین تر از مجازات تعزیری مرتکب خواهد بود. البته ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۳ به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح شد و به موجب آن مصادیق قانونی خاص که در آنها برای معاونت در جرم مشخص تحت همین عنوان مجازات تعیین شده نسخ گردید، که به نظر می‌رسد مجازات معاونت در جرم اسیدپاشی نیز در حال حاضر مشمول این حکم است.

۳-۴-۳. ممنوعیت نهادهای ارفاقی

ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی با ایجاد ممنوعیت در بکارگیری نهادهای ارفاقی، گامی مهم در به قطعیت رساندن کیفر جرم اسیدپاشی برداشته است.^۲ البته ممنوعیت تعویق و تعلیق در مورد اسیدپاشی و شروع به آن در بند (ب) ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر شده بود، لیک در مورد سایر نهادهای ارفاقی ممنوعیتی وجود نداشت. به موجب ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، این ممنوعیت به تمام نهادهای ارفاقی از جمله آزادی مشروط نیز تسری یافته است. البته باید توجه داشت که منع مطلق برخورداری از نهادهای ارفاقی می‌تواند مانع ایجاد انگیزه برای مرتکب در جبران خسارات بزه‌دیده شود. از این رو، تخفیف مجازات با هدف تسهیل تمهید ترتیباتی برای جبران از سوی مرتکب محدود به

۱. «ماده ۴- مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود: الف- در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ ب- در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ پ- در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین تر از مجازات تعزیری مرتکب.»

۲. ماده ۳- در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.

شرایطی شده است که بر اساس آن در صورت گذشت، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را تا یک درجه تخفیف دهد، که در راستای اعمال رویکردی سختگیرانه، به مراتب از میزان تخفیف مجازات مندرج در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی کاسته شده و تنها به یک درجه تخفیف محدود شده است.

۴. حمایت از بزه‌دیدگان

حمایت از بزه‌دیدگان این جرم به جهت آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمانی و روانی نکته‌ای مهم است که در قوانین کیفری پیشین مغفول مانده بود. تا پیش از تصویب قانون جدید، بیشترین حمایت از آنان در شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و سنتی صورت می‌گرفت و بزه‌دیدگان حمایت‌های مادی و معنوی خود را از خانواده، دوستان و آشنایان دریافت می‌کردند، حال آنکه این سطح از حمایت، دامنه محدودی از نیازهای آنان را برطرف می‌نمود. در واقع نقش حمایتی دولت بسیار کم‌رنگ بود و قوانین و مقررات کیفری نیز در جهت رفع آسیب‌های این پدیده از کارایی کافی برخوردار نبودند. نظر به اثربخشی بیشتر حمایت‌های غیرکیفری نسبت به پاسخ‌های کیفری، پیش‌بینی مقررات حمایتی مناسب و همه‌جانبه در حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی مؤثرتر است، مقرراتی نظیر توجه به جبران خسارت مادی و معنوی، مشاوره روانشناسی و خدمات مددکاری و توانبخشی که قانونگذار در ماده ۵ قانون جدید بدان پرداخته است.^۱

۴-۱. جبران خسارات مادی و معنوی

یکی از مسائلی که در راستای حمایت از بزه‌دیدگان و احقاق حق آنان مطرح می‌شود امکان جبران خسارت‌های افزون بر دیه است. ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی از جهت پیش‌بینی امکان مطالبه این گونه خسارت‌ها گامی مثبت در جهت حمایت از بزه‌دیدگان

۱. ماده ۵- در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده می‌باشد. در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، به بزه‌دیده‌گان موضوع این قانون خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند. تبصره ۲- در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره (۱)، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌تواند برای دریافت هزینه‌های پرداخت‌شده به مرتکب رجوع کند.

است. تا کنون رویکرد رویه قضایی در بیشتر موارد مبتنی بر عدم امکان مطالبه خسارت‌های افزون بر دیه بود،^۱ در حالی که هزینه‌های درمان و اعمال جراحی بزه‌دیدگان اسیدپاشی به مراتب بیش از میزان کل دیات و ارش پرداختی است.^۲ ماده فوق ضمن اشاره به جبران خسارت معنوی و مادی موضوع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مرتکب را ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده نیز می‌نماید و در صورت عدم تمکن مرتکب، به منظور حمایت از بزه‌دیدگان، پرداخت هزینه‌های مذکور را از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پیش‌بینی نموده است.^۳ به منظور پیشگیری از تحمیل هزینه بر این صندوق و نیز سازمان بهزیستی در مورد ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی، که در تبصره این ماده به آن اشاره شده است، این امکان فراهم شده که نهادهای مذکور بتوانند برای جبران هزینه‌های خود به مرتکب اسیدپاشی از باب تسبیب مراجعه کنند. در واقع، برقراری تمهیداتی به منظور تأمین هزینه‌های درمان از نوآوری‌های قانون تشدید مجازات اسیدپاشی محسوب می‌شود. علاوه بر پیش‌بینی پرداخت هزینه‌های مذکور، جبران خسارت معنوی ناشی از خدشه‌دار شدن موقعیت شغلی یا تحصیلی می‌تواند تا حدودی زمینه بازگشت بزه‌دیدگان را به حیات اجتماعی فراهم نماید.^۴ علاوه بر قانون مسئولیت مدنی، از میان مقررات موجود، از

۱. بابت پوشش هزینه‌های درمانی با توجه به نظر مخالف دیوان عالی کشور در این زمینه، در هیچ یک از جراحات یا صدمات نمی‌توان حکم به جبران هزینه‌های درمانی و خسارت داد. فقط ارش جنایت و نقص عضو قابل وصول است. ارش زیبایی نیز در قالب ارش نقص عضو اعلام می‌شود (جعفری، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۵۱).

۲. در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، جبران خسارت‌های افزون بر دیه پیش‌بینی شده بود ولی شورای نگهبان به جهت مغایرت مطالبه خسارت افزون بر دیه با شرع، آن را رد کرد.

۳. صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به موجب ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰، به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه تأسیس شده است. پرداخت از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی برای معادل تفاوت دیه در فرضی که مجنی علیه مرد نیست در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی نیز پیش‌بینی شده است.

۴. یکی دیگر از مصادیق حمایت از بزه‌دیدگان پرداخت دیه از بیت‌المال است که در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی در کلیه جنایات عمدی در صورتی که دسترسی به مرتکب ممکن نباشد و اموال وی کافی نباشد پیش‌بینی شده است. البته شایان ذکر است که در تبصره ماده ۲ گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی در مورد طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن «پرداخت دیه از بیت‌المال پیش‌بینی شده بود که با توجه به ایرادات شورای نگهبان در دو مرتبه به این تبصره، مجلس در نهایت در جلسه مورخ ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۸ جهت تأمین نظر شورای نگهبان اقدام به حذف آن نمود (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دوره دهم، اجلاس چهارم، جلسه ۳۷۴)).»

بارزترین تدابیر قانونی حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی را می‌توان ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری دانست که امکان مطالبه ضرر و زیان‌های معنوی نسبت به خسارات ناشی از جرم را فراهم کرده است.^۱ با وجود اینکه ماده مذکور، امکان مطالبه خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده است، در عمل در صدور آرای قضایی مورد توجه قرار نمی‌گرفت.^۲ این موضوع سبب شد که قانونگذار در ماده ۵ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی بار دیگر بر جبران خسارت‌های موضوع ماده ۱۴ تأکید کند.

۴-۲. ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی

با توجه به آسیب‌های گسترده و پیامدهای سوء این جرم، بزه‌دیدگان آن بیش از سایر جرایم علیه اشخاص نیازمند تدابیر ویژه حمایت‌گرانه هستند. از این رو، در کنار جبران خسارت، حمایت مستمر جسمانی و روانی از طریق مراقبت‌های ویژه پزشکی و روانپزشکی به منظور بهبود فرآیند توانمندسازی آنان ضروری است. در راستای ارائه راهکارهای حمایتی بیشتر، به موجب تبصره ۱ ماده ۵، ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی مورد توجه واقع شده است؛ انتظار می‌رود در اصلاحات بعدی قانون، اقدامات بازپروری و روانشناختی برای تمام اعضای خانواده بزه‌دیده نیز که از گذر وقوع جرم متحمل آسیب شده‌اند در نظر گرفته شوند. همچنین، در کنار سازمان بهزیستی کشور که به موجب این قانون عهده‌دار ارائه خدمات روانشناختی، مددکاری و توانبخشی به بزه‌دیدگان شده است، نباید نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده انگاشت. تأسیس نهادها و سازمان‌های غیردولتی حمایتی^۳ از

۱. جبران ضرر و زیان‌های معنوی در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱ پیش‌بینی شده بود اما در قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ حذف شد و به موجب ماده ۱۴ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ دوباره به رسمیت شناخته شد.

۲. ورود خسارت معنوی و حکم به آن در مواد ۳، ۴ و ۵ قانون مسئولیت مدنی پذیرفته شده است، اما اداره حقوقی قوه قضائیه از پذیرش آن خودداری می‌کند (متین راسخ، مستشار دادگاه کیفری یک استان تهران، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶: ۶۴).

۳. در حال حاضر «انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی» با نام اختصاری «احقا» که نهادی غیردولتی است به منظور حمایت از بزه‌دیدگان با حضور جمعی از هنرمندان، جراحان پلاستیک، بزه‌دیدگان و فعالان اجتماعی در مهرماه ۱۳۹۵ تأسیس شد و در فروردین ماه ۱۳۹۶ ثبت شد و از آن زمان فعالیت خود را آغاز کرد. اقدامات انجمن عبارتند از: شناسایی بزه‌دیدگان اسیدپاشی و جذب آنها، ارائه خدمات درمانی، روانشناختی و توانبخشی، حمایت از خانواده‌های بزه‌دیدگان و کمک به تداوم رابطه بزه‌دیدگان با خانواده، توانمندسازی، کارآفرینی و حمایت قانونی و حقوقی از آنان با هدف بازگرداندن آنها به جامعه، و پیگیری جهت محدود نمودن خرید و فروش اسید.

جمله تدابیر خاصی است که می‌تواند سهمی مهم در حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی داشته باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۲۹، پاورقی شماره ۲). در کنار ارائه خدمات درمانی و روانشناختی، حمایت حقوقی از بزهدیدگان در طول فرآیند رسیدگی ضرورتی انکارناپذیر است. لازم است تدابیر حمایتی همچون امکان تعیین وکیل تسخیری علاوه بر متهم، برای بزهدیده نیز فراهم شود.^۱ در کنار حمایت از بزهدیدگان، باید زمینه‌های برخورداری بزهدیدگان اسیدپاشی از خدمات روانشناختی را نیز فراهم نمود، چراکه معمولاً مرتکبان این جرایم دارای حالت خطرناک هستند و در صورت عدم درمان مناسب، ظرفیت ارتکاب مجدد جرم در آنها وجود دارد.

۳-۴. تسریع روند رسیدگی

یکی از تدابیر حمایتگرانه برای بزهدیده سرعت بخشیدن به روند رسیدگی و صدور حکم و اجرای آن است. البته این امر می‌تواند در افزایش بازدارندگی از ارتکاب جرم نیز مؤثر باشد. سرعت عمل در تحقیق و رسیدگی و اجرای کیفر نقشی مهم‌تر در تحقق معیارهای دادگری جنایی هم از نظر مصلحت‌های جامعه و هم از جهت منفعت‌های بزهدیده ایفاء می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۱۸). با توجه به اینکه بزهدیده بر اثر ارتکاب جرم از وضعیت جسمی و روحی مساعدی برخوردار نیست، روند رسیدگی طولانی قضایی و اطاله دادرسی در این گونه موارد موجب اختلال در فرآیند درمان و ایراد خسارات جبران‌ناپذیری می‌شود. تسریع دادرسی و رسیدگی خارج از نوبت به این گونه دعاوی می‌تواند تا حدودی وی را در احقاق حق حمایت کند، ضمن اینکه با توجه به جریحه‌دار شدن احساسات عمومی بر اثر ارتکاب این جرم، رسیدگی خارج از نوبت ضرورت می‌یابد.^۲ حکم ماده ۶ قانون با پیش‌بینی رسیدگی خارج از نوبت به دعاوی اسیدپاشی گامی در جهت حمایت از بزهدیده و تسریع کیفررسانی مرتکب برداشته است. در پرونده‌های اسیدپاشی معمولاً اظهار نظر در مورد میزان خسارات و صدمات وارد شده بر جسم بزهدیده توسط پزشکی قانونی مدتها به طول می‌انجامد و از

۱. در حال حاضر به موجب تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، امکان تعیین وکیل تسخیری صرفاً برای متهم پیش‌بینی شده است.

۲. در قانون آیین دادرسی کیفری، در خصوص جرایمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی می‌شوند، برای رسیدگی خارج از نوبت در مراحل تجدیدنظر و دیوان عالی کشور به موجب مواد ۴۴۹ و ۴۶۶، شرایط و ضوابطی پیش‌بینی شده‌اند.

طرفی فرآیند رسیدگی قضایی نیز ممکن است سال‌ها ادامه داشته باشد که این روند فرسایشی رسیدگی ضمن اینکه موجب کاهش حساسیت افکار عمومی نسبت بدین جرم خشونت‌آمیز می‌شود، موجبات تحریک مرتکبان و بزه‌کاران بالقوه را نیز فراهم می‌آورد.^۱

۵. ضرورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه

از جمله تمهیداتی که در قانون پیش‌بینی شده تشدید مجازات مباشرت و معاونت در جرم و نیز ممنوعیت بکارگیری نهادهای ارفاقی به منظور پیشگیری کیفری است. این نوع پیشگیری از نخستین تدابیر مقابله با جرم اسیدپاشی محسوب می‌شود. شدت بخشیدن به کیفر برای پیشگیری از این پدیده ضد اجتماعی کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه یکی از عوامل اصلی ارتکاب جرم اسیدپاشی در دسترس و ارزان بودن این مایع خطرناک است. این موضوع اهمیت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به ویژه پیشگیری وضعی را دوچندان می‌نماید. این نوع پیشگیری شامل اقدامات غیر کیفری است که هدف از آنها جلوگیری از به فعلیت در آوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته‌اند و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۰). ضرورت تصویب مقرراتی به منظور محدود نمودن خرید و فروش اسید رقیق‌نشده و یا ضابطه‌مند نمودن دسترسی به آن را می‌توان از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری وضعی دانست. در این راستا، دو پیشنهاد برای الحاق به طرح تشدید مجازات اسیدپاشی در جلسه مورخ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۸ مجلس ارائه گردید، اما مورد تصویب قانونگذار قرار نگرفت.^۲ با توجه به بسترهای وقوع جرم، صرف تشدید کیفر نمی‌تواند منجر

۱. برای نمونه در پرونده آمنة بهرامی، جرم در سال ۱۳۸۳ رخ داد، اما در سال ۱۳۸۷ حکم صادر شد و تا سال ۱۳۹۰ هم که از قصاص گذشت شده به صورت فرسایشی ادامه داشته است (رایجیان اصلی، پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۳: ۶۲). (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به دادنامه شماره ۱۱۸، مورخ ۱۳۸۷/۹/۹، شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران).

۲. پیشنهاد الحاقی ۱: «به منظور ضابطه‌مند نمودن خرید و فروش اسید و سایر ترکیبات شیمیایی آیین‌نامه‌ای مشتمل بر فهرست موارد ضروری مصرف مواد شیمیایی و نحوه عرضه و فروش این مواد، ظرف مدت شش ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون با همکاری وزارتخانه‌های کشور، صنعت، معدن و تجارت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و جهاد کشاورزی تنظیم و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید». پیشنهاد الحاقی ۲: «کلیه کارخانجات و مراکز عمده صنعتی و بهداشتی که به عرضه و فروش اسید و سایر ترکیبات شیمیایی می‌پردازند موظفند این ترکیبات را صرفاً به ذینفعان واقعی به منظور مصارف مورد نیاز صنعتی و بهداشتی ارائه دهند و ضمن دریافت مدارک هویتی، اقدام به ثبت شماره

به کاهش جرم شود. در نظر گرفتن مجموعه‌ای از تدابیر تنبیهی و پیشگیرانه می‌تواند موجب کنترل و کاهش جرم شود. با توجه به موانع و طولانی بودن فرایند قانونگذاری، ضابطان دادگستری می‌توانند نسبت به تهیه و ابلاغ دستورالعمل‌هایی در زمینه نظارت بر کارخانه‌های تولید اسید و یا ثبت مشخصات خریداران اقدام کنند. علاوه بر آن، تأثیر عوامل اجتماعی بر بازدارندگی از ارتکاب جرم نیز انکارناپذیر است.

۱-۵. پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی از طریق کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم بیش از سایر تدابیر پیشگیرانه می‌تواند اثربخش باشد و از این میان نظارت بر خرید و فروش اسید و دریافت مجوز برای معاملات مربوط مهم‌ترین راهکار پیشگیری محسوب می‌شود. با توجه به اینکه اسید و سایر ترکیبات شیمیایی، در امور مختلف از جمله صنعتی، بهداشتی، کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، نمی‌توان خرید و فروش این گونه مواد را به طور کلی جرم‌انگاری نمود ولی می‌توان تا حدودی با تعیین ضوابطی برای خرید و فروش آن سعی در پیشگیری از وقوع این جرم و کنترل موارد مصرف آن نمود، از جمله اینکه کلیه کارخانجات و مراکز عمده‌ای که به عرضه و فروش اسید و سایر ترکیبات شیمیایی با غلظت بالا می‌پردازند موظف گردند ضمن دریافت مدارک هویتی، اقدام به ثبت شماره سریال محصولات و مشخصات اشخاص متقاضی نمایند. احراز مدارک شناسایی خریداران و ثبت معاملات مربوط تا حدودی می‌تواند موجب بازدارندگی مرتکبان این جرم شود، که لازم است در اصلاحات بعدی قانون مورد توجه قانونگذار واقع شود، چراکه وجود مقرراتی به منظور ایجاد محدودیت در دسترسی به اسید مسئله‌ای به مراتب مهم‌تر از تشدید مجازات است. آمارهای موجود در کشورهایی که بیشترین میزان ارتکاب اسیدپاشی را داشته‌اند نشان می‌دهند که رابطه مستقیم بین اسیدپاشی و سهولت خرید اسید وجود دارد و اسیدپاشی در مناطقی که اسید به طور گسترده برای مقاصد صنعتی یا تجاری بکار می‌رود بیشتر رخ می‌دهد. وضع قوانین خاص توسط کشورهای که آمار بالایی

سریال محصولات و مشخصات مراکز و اشخاص متقاضی نمایند. اشخاص حقوقی مذکور در صورت تخلف از این ماده به مجازات ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می‌شوند» (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دوره دهم، اجلاس چهارم، جلسه ۳۲۹)).

در جرم اسید پاشی دارند نشانگر اهمیت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه است،^۱ اقداماتی که شامل لزوم اخذ مجوز برای همه معامله‌گران اسید، ممنوعیت استفاده از اسید خالص در مناطق خاص، ایجاد سیستم نظارت بر فروش اسید و ثبت تمام معاملات مربوط به آن باشند. از منظر پیشگیری وضعی، تصویب مقرراتی در مورد نحوه استفاده از اسید ضروری است. این تدابیر شامل دریافت مجوز برای تولید، توزیع، وارد کردن و سایر موارد استفاده از اسید، اتخاذ تدابیر امنیتی در درون کارخانه‌ها به منظور کاهش فرصت سرقت اسید توسط کارکنان، درج برجسب بر روی جعبه‌های حامل اسید که نشان‌دهنده محتوای آن باشد، آگاهی‌بخشی و

۱. برای نمونه در بنگلادش، وضع مقرراتی به منظور کنترل خرید، فروش، عرضه و نگهداری اسید، منجر به کاهش چشمگیر جرم اسیدپاشی در این کشور شده است و تنها اشخاصی که دارای مجوز قانونی هستند می‌توانند اسید را خریداری کنند. البته شایان ذکر است اگرچه این مقررات دسترسی به اسید را برای مرتکبان جرم دشوارتر می‌سازند، به طور کامل اجراء نشده‌اند و هنوز بسیاری از اشخاص فاقد مجوز می‌توانند اقدام به خرید اسید کنند (Kalantry, Sital & Jocelyn Getgen, 2011: 12). در واقع، بنگلادش با وضع قانون کنترل اسید، نخستین گام را برای ضابطه‌مند نمودن استفاده، خرید، فروش، نگهداری، حمل و نقل، واردات و صادرات اسید و جرم‌انگاری خرید و فروش غیرقانونی آن برداشت و با افزایش آگاهی عمومی نسبت به مجازات آن، باعث کاهش میزان ارتکاب جرم اسیدپاشی از سال ۲۰۰۲ شد و وضع مقرراتی برای کنترل دسترسی آسان به اسید منجر به کاهش سالانه ۱۵ تا ۲۰ درصدی اسیدپاشی در این کشور شده است (Kalantry, Sital & Jocelyn Getgen, 2011: 2). پاکستان نیز در سال ۲۰۱۱ اقدام به تصویب «قانون پیشگیری از اسیدپاشی و کنترل فروش اسید» نموده است که برای مرتکب اسیدپاشی، حبس ابد و نیز جزای نقدی در نظر گرفته است؛ همچنین، به موجب آن برای فروشندگان غیرمجاز اسید در صورت ارتکاب جرم برای بار نخست، یک سال حبس یا جزای نقدی صد هزار روپیه و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار جرم، دو سال حبس یا جزای نقدی دویست هزار روپیه و یا هر دو مجازات پیش‌بینی شده است. در انگلستان نیز به موجب «قانون مواد سمی» مصوب ۱۹۷۲ که به موجب «مقررات کنترل مواد سمی و منفجره» مصوب ۲۰۱۵ اصلاح شده است به منظور کنترل فروش این مواد تدابیری تازه اتخاذ شده‌اند. قانون جدید بین مواد ضابطه‌مند و مواد قابل گزارش تفکیک ایجاد کرده است. مواد ضابطه‌مند شامل ترکیبات شیمیایی با غلظت بالا است که فروش آنها به عموم مردم محدود شده است و اگر کسی بخواهد اقدام به خرید این مواد نماید باید برای دریافت و استفاده از آنها، ضمن ارائه کارت شناسایی، درخواست مجوز نماید و تهیه‌کننده این ترکیبات نیز باید جزئیات مربوط به معامله مذکور را در مجوز مربوط ثبت کند. همچنین، برای دریافت، تهیه، داشتن و وارد کردن این گونه مواد بدون مجوز تا دو سال حبس و یا جزای نقدی پیش‌بینی شده است. داروخانه‌ها نیز باید بر روی این مواد عبارتی مبنی بر اینکه دریافت و استفاده عمومی از آنها محدود شده درج کنند. دسته دوم موادی هستند که بدون مجوز قابل خریداری هستند، اما فروشندگان باید هرگونه معامله مشکوک، تلف عمده و سرقت آنها را گزارش دهند و برای عدم گزارش این موارد، حداکثر تا سه ماه حبس یا جزای نقدی در نظر گرفته شده است. هدف قانون مذکور نظارت بیشتر بر ترکیبات شیمیایی است که می‌توانند منجر به آسیب شوند و از این رو ادامه فعالیت مراکز و اشخاص برای مقاصد قانونی نیاز به مجوز دارد (House of Commons Library (Briefing Paper by Sally lipscombe, Georgina Hutton), 2017: 4-5).

اعلام هشدار نسبت به خطرناکی این ماده و مجازات‌های مرتبط با سوءاستفاده از اسید و نیز ایجاد ممنوعیت برای گونه‌های غلظت یافته اسید جهت مصارف خانگی هستند.

۲-۵. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی دیگر از تدابیر پیشگیرانه می‌تواند با تأثیر بر عوامل اجتماعی که منجر به ارتکاب جرم می‌شوند سبب بازدارندگی شود. در واقع، هدف این نوع از پیشگیری تأثیرگذاری بر شخصیت افراد به طور مستقیم یا غیرمستقیم است تا از سازماندهی فعالیت خود حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۵). تأکید این نوع پیشگیری بر محیط اجتماعی و انگیزه‌های مجرمان و نیز بر فرآیندهای اجتماعی بلندمدت یا کوتاه‌مدتی است که بر وقوع جرم تأثیرگذار است، چنانکه می‌توان با توجه به آموزه‌های پیشگیری اجتماعی و رشدمدار، لزوم تربیت صحیح کودکان و جوانان و دورنگه داشتن آنها از درگیری‌های خانوادگی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی و با تأثیرگذاری بر شخصیت افراد، انجام رفتارهایی مانند اسیدپاشی را به حداقل رساند (زندى، اوچاقلو، ۱۳۹۵: ۷۵). مدارس و مراکز آموزش عالی با ایجاد واحدهای درسی و نیز رسانه‌های جمعی با تولید برنامه‌های فرهنگی یا هنری به منظور یادگیری مهارت‌های کنترل خشم نقشی مهم در پیشگیری از جرم اسیدپاشی دارند. تقویت باورهای دینی از طریق آموزش‌های لازم در مراکز مذهبی نیز می‌تواند در جهت بازداشتن مرتکبان بالقوه از ارتکاب این جرم اثرگذار باشد. در واقع، اجرای مجازات ممکن است در کوتاه‌مدت مؤثر واقع شود، اما در بلندمدت، فرهنگ‌سازی و تقویت پیشگیری و بسترسازی فکری در جامعه راه چاره است (فلاح ماکرانی، ۱۳۹۱: ۲۶).

نتیجه

اسیدپاشی به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی از دیرباز مورد توجه قانونگذار واقع شده است، اما با وجود تصویب ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید در سال ۱۳۳۷، بازنگری و اصلاح آن از جهت آنکه بخشی از قانون در گذر زمان نسخ گردیده بود و کیفر پیش‌بینی شده نیز چندان تناسبی با جرم ارتكابی نداشت ضروری به نظر می‌رسید. به علاوه، قانون مذکور صرفاً به جرم‌انگاری و کیفرگذاری پرداخته بود و فاقد هرگونه تدابیر حمایت‌گرانه برای بزه‌دیدگان این جرم بود. از این رو، قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و

حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن در جهت تشدید کیفر، به منظور تناسب بیشتر آن با جرم و نیز حمایت‌های مادی و معنوی از بزهدیدگان تدوین شد. اگرچه نقش برخورد مؤثر با مرتکبان در افزایش بازدارندگی کیفر انکارناپذیر است، به یقین می‌توان اظهار داشت که با توجه به خلأ مقررات حمایتگرانه در قانون سال ۱۳۳۷، پیش‌بینی تدابیر غیر کیفری در جهت حمایت همه‌جانبه از بزهدیده در قانون جدید به مراتب دستاوردی مهم‌تر محسوب می‌شود. قانونگذار با در نظر گرفتن مقرراتی به منظور پرداخت هزینه‌های درمان علاوه بر جبران خسارت معنوی و ارائه خدمات روانشناختی و توانبخشی گامی مهم و اساسی در جهت رفع خلأهای قانونی در این حوزه برداشته است. باید بدین نکته توجه داشت که صرف تعیین مجازات حبس بلندمدت و یا سختگیری در اعمال نهادهای ارفاقی برای مرتکب این گونه جرایم نمی‌تواند به اندازه کافی بازدارنده باشد، بلکه اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به ویژه پیشگیری وضعی و ایجاد راهکارهایی به منظور ضابطه‌مند نمودن خرید و فروش، توزیع و عرضه اسید و سایر ترکیبات شیمیایی از اهمیتی زیاد برخوردار است. از این رو، در مقابله با این پدیده کیفرگذاری بخشی کوچک از مسئله است و حمایت از بزهدیدگان از مسیر اعمال کیفر و سیستم عدالت کیفری به تنهایی کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه آنچه بیشتر می‌تواند اثربخش باشد نخست پیشگیری از وقوع آن و سپس اتخاذ گونه‌های مختلف تدابیر حمایتی برای بزهدیدگان این جرم است. در این راستا، نهادهای عهده‌دار امور آموزشی و فرهنگی نیز با ارائه برنامه‌ها و راهکارهای هدفمند مبتنی بر حفظ و ارتقای آموزه‌های اخلاقی و تغییر نگرش افراد به منظور رفع خشونت و آگاه‌سازی آنان درباره مجازات و تبعات ارتکاب این گونه جرایم می‌توانند در پیشگیری از وقوع آن تأثیرگذار باشند. در بیشتر پرونده‌های اسیدپاشی مرتکب معمولاً با تهدید قبلی دست به ارتکاب جرم می‌زند که به موجب ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) صرف هرگونه تهدیدی جرم‌انگاری شده است. مداخله نیروی انتظامی در صورت اطلاع از وقوع تهدید که معمولاً قبل از ارتکاب جرم اسیدپاشی رخ می‌دهد از دیگر تدابیر پیشگیرانه‌ای است که می‌تواند مانع وقوع این جرم گردد. با توجه به اینکه در بسیاری از پرونده‌ها، متهم پس از ارتکاب جرم اقدام به فرار یا مخفی شدن می‌کند و یا آزاد بودن وی موجب به خطر افتادن جان شاکی یا خانواده وی می‌شود، ضرورت صدور قرار بازداشت موقت متهم مستند به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین

دادرسی کیفری وجود دارد.^۱ همچنین نباید نقش انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد را در کنار دولت برای ارائه خدمات توانبخشی و روانشناختی به بزهدیدگان و کاهش اثرات زیان‌بار ناشی از این جرم و حمایت از بزهدیده و خانواده وی نادیده گرفت. در کنار ارائه خدمات درمانی، روانشناختی و توانبخشی، حمایت حقوقی و قضایی از بزهدیدگان در طول فرآیند رسیدگی موضوعی انکارناپذیر است؛ در قانون برای متهم، سازکار حمایتی تعیین و کیل تسخیری پیش‌بینی شده است، اما این امکان برای بزهدیده در نظر گرفته نشده است. همچنین، می‌توان از قضات با سابقه‌تر در رسیدگی به پرونده‌های اسیدپاشی و نیز مشاوران حقوقی با گذراندن دوره آموزشی و تخصص لازم در شعب رسیدگی دادگاه استفاده نمود. از سوی دیگر، مرتکبان اسیدپاشی از آن جهت که با سبق تصمیم و برنامه‌ریزی قبلی دست به ارتکاب این جرم می‌زنند دارای حالت خطرناک هستند که معمولاً ریشه در ناکامی‌های شخصی و یا اجتماعی دارد. از این رو، نگهداری آنان در مراکز روان‌درمانی و ارائه مشاوره‌های روانشناسی به آنان نیز امری ضروری است. همچنین، می‌توان از ظرفیت‌های قانونی موجود برای اصلاح مرتکبان اسیدپاشی استفاده نمود؛ دادگاه می‌تواند به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات تکمیلی، محکوم را ملزم به یادگیری حرفه و یا مهارتی در زمینه رفع خشونت و آموزه‌های اخلاقی و یا انجام خدماتی به نفع بزهدیده نماید. در واقع، سیاست جنایی مؤثر در جامعه وقتی تحقق می‌یابد که اتخاذ تدابیر پیشگیرانه همواره در درجه نخست اهمیت باشد. بسترسازی فرهنگی و آگاه‌سازی جامعه نسبت به تبعات ارتکاب این جرم در کنار نظارت بر خرید و فروش اسید ضرورتی انکارناپذیر است. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن گرچه از حیث پیش‌بینی مقرراتی مبنی بر افزایش کیفر، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی و نیز حمایت‌های جسمانی و روانی از بزهدیدگان تا حدودی توانسته کاستی‌های قانونی موجود در مورد این پدیده مجرمانه را مرتفع سازد، همچنان خلأ قوانین و مقررات در حوزه پیشگیری و کنترل دسترسی

۱. طی مصاحبه شفاهی با بزهدیدگان برای نمونه در پرونده محسن مرتضوی در سال ۹۱، مرتکب پس از ارتکاب جرم در حال خروج از مرز دستگیر شده بود و یا در پرونده الهام سلطانی در سال ۹۷ بازپرس تنها به صدور قرار وثیقه در مورد متهم اکتفا نمود، در حالی که به منظور پیشگیری از فرار متهم صدور قرار بازداشت ضروری به نظر می‌رسید. شایان ذکر است که به موجب ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸، هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم می‌نمود در مورد جرم اسیدپاشی صدور قرار بازداشت موقت جنبه الزامی داشت، اما در حال حاضر ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ صدور قرار بازداشت موقت را جایز دانسته است.

۳۶ | پژوهش حقوق کیفری | سال نهم | شماره ۳۵ | تابستان ۱۴۰۰

به اسید و سایر ترکیبات شیمیایی ضرورت بازننگری در قانون به منظور تحقّق تمام ابعاد سیاست جنایی در برخورد با این جرم را ایجاب می‌نماید.

ORCID

Mohammad Ashouri  <http://orcid.org/0000-0002-8908-5949>

Negin Haghighat  <http://orcid.org/0000-0003-1083-9291>

منابع

الف. فارسی

آقای‌نیا، حسین. (۱۳۸۶). *حقوق کیفری اختصاصی*، جرایم علیه اشخاص، جنایات، چاپ سوم، تهران، میزان.

آقای‌نیا، حسین. (۱۳۹۲). *حقوق کیفری اختصاصی*، جرایم علیه اشخاص، جنایات، چاپ سیزدهم، تهران، میزان.

اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۸). *حقوق جزای عمومی*، جلد نخست، چاپ بیست و دوم، تهران، میزان.
امامی، سیدحسن. (۱۳۸۷). *حقوق مدنی*، جلد ششم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اسلامی.
بای، حسینعلی. (تابستان ۱۳۸۴). «مبانی پرداخت دیه از بیت‌المال»، *فصلنامه فقه و حقوق*، سال دوم.
بای، حسینعلی. (زمستان ۱۳۸۳). «قلمرو مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه»، *فصلنامه فقه و حقوق*، سال اول.

پاد، ابراهیم. (۱۳۸۱). *حقوق کیفری اختصاصی*، جرایم بر ضد اشخاص (صدمات بدنی و صدمات معنوی)، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات رهام.

پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه. (۱۳۹۶). *نشست‌های نقد و بررسی آرای قضایی با موضوع «امکان اجرای قصاص در اسیدپاشی»*، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضائیه. (۱۳۹۳). *نشست‌های نقد و بررسی آرای قضایی با موضوع «اسیدپاشی»*، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

حیدری، عباسعلی. (۱۳۸۵). «نقد و تحلیل فقهی پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون مجازات اسلامی»، *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹.

خوارزمی، حنانه. *بررسی جرم اسیدپاشی از نگاه فقه و قانون مجازات اسلامی*، پایگاه تحلیلی - خبری خانواده و زنان (مهرخانه)، در: (last visited on 1391/2/20)

[mehrkhaneh.com/fa/new/2901]

دادنامه شماره ۱۱۸، مورخ ۱۳۸۷/۹/۹، شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران.

- دادنامه شماره ۳۳۸۶۳، مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۳۰، شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۶۰۰۵۹۸، مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲، شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی پیشوا.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۵۱۸۰۰۰۲۵، مورخ ۱۳۹۲/۱/۶، شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی شهرری.
- راسخ، محمد (بهار ۱۳۸۵). «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، نشریه مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (پاییز ۱۳۹۲). «تحلیل بزه‌شناسانه اسیدپاشی با نگاهی به پرونده آمنه بهرامی نوا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.
- زندى، محمدرضا، اوجاقلو، صالح. (تابستان ۱۳۹۵). «مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن و راهکارهای پیشگیری از آن (با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۶.
- صادقی، محمد، صادقی، علی. (زمستان ۱۳۹۱). «بررسی فقهی حقوقی پرداخت دیه توسط بیت‌المال»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۵.
- عباسی گراوند، زهرا، محمدنسل، غلامرضا. (بهار ۱۳۹۵). «راهکارهای پیشگیری از اسیدپاشی»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم، شماره ۱.
- فاطمی، محمدجواد. (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مجازات جرم اسیدپاشی در ایران و کشورهای جنوب آسیا و راه‌های پیشنهادی برای پیشگیری از آن»، نشریه جراحی ایران، دوره ۲۶، شماره ۲.
- فلاح ماکرانی، اویس. (اردیبهشت ۱۳۹۱). «بررسی علل بروز اسیدپاشی از منظر قانون و جامعه»، مقالات حقوقی حق گستر، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی حق گستر، در: <http://www.vekalat.org/public.php?cat=2&newsnum=2185540>, last visited on (۱۳۹۸/۱۰/۰۴)
- محمودی، افسانه. (۱۳۹۲). حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مظاهری، امیرمسعود. (پاییز و زمستان ۱۳۹۵). «نقدی بر کیفر تعیین شده برای جرم اسیدپاشی»، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، شماره ۲.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، چترچی، نوشین. (بهار ۱۳۹۰). «مسئولیت پرداخت دیه از بیت‌المال بر مبنای قاعده فقهی «الخارج بالضمنان» با توجه به دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علمی پژوهشی متین، دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۷). ترجمه تحریرالوسیله (همراه با متن عربی)، جلد ۴، چاپ دوم، تهران، انتشارات دارالعلم.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۸). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سیزدهم، تهران، میزان.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، تهران، میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). «پیشگیری عادلانه از جرم»، مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از دکتر آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول.

نظری توکلی، سعید، کراچیان ثانی، فاطمه. (پاییز ۱۳۹۹). «اجرای مجازات قصاص در جرم اسیدپاشی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۳.

ب. عربی

(امام) خمینی، سید روح الله. (۱۴۰۹ ه.ق). تحریر الوسیله، جلد ۲، قم، انتشارات دارالکتب العلمیه.

شهید ثانی. (۱۳۸۶ ه.ق). الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیه، جلد ۹، نجف اشرف.

صافی گلپایگانی، لطف ا... (۱۴۱۹ ه.ق). جامع الاحکام، قم، چاپ اول، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س).

محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۱ ه.ق). مجمع الفایده و البرهان فی ارشاد الازدهان، قم، چاپ اول، مؤسسه نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۶ ه.ق). القواعد الفقهیه، چاپ چهارم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

References

- Abbasi Geravand, Zahra; Mohammadnasl, Gholam-Reza, (2016) "Preventive Measures of Acid Attack", *Journal of Police Science*, 18th year, No 1, pp.1-14 [In Persian].
- Aghaie nia, Hossein, (2013), *Offences Against the Person*, 13th edition, Tehran, mizan publication [In Persian].
- Aghaie nia, Hossein, (2007), *Offences Against the Person*, 3th edition, Tehran, mizan publication [In Persian].
- Anowar Ara Begum. (2004). "Acid Violence: A Burning Issue of Bangladesh-Its Medico-Legal Aspects", *American Journal of Forensic Medicine and Pathology*, Volume 25, Number 4, Available at: (https://journals.lww.com/amjforensicmedicine/fulltext/2004/12000/acid_violence_a_burning_issue_of_bagladesh_its.8.aspx). last visited on 28/12/2019.

- Ardebili, Mohammad-ali, (2009), *Criminal Law (General Part)*, Volume 1, 22nd edition, Tehran, Mizan publication [In Persian].
- Baay, Hosein-ali (2005), “Basic Principles of Payment of Blood Money from Public Treasury”, *Journal of jurisprudence and law*, second year, pp. 65-86 [In Persian].
- Baay, Hosein-ali, (2004), “Domain of Responsibility of Public Treasury for Payment of Blood Money”, *Journal of jurisprudence and law*, first year, pp. 73-103 [In Persian].
- Chandrashekar. S. V, Eldo johny. (2017). “Animosity towards Acid Attacks-Critical Study on Acid Victimization”, *International Journal of Trend in Scientific Research and Development (IJTSRD)*, Volume – 1, Issue-5.
- Emami, Seyed Hasan, (2008), *Civil law*, Volume 6, 12th edition, Tehran, eslamieh publication [In Persian].
- Fatemi, Mohammad-Javad (2018) “Comparative Study on Punishment of Acid Attack in Iran and South of Asia and Preventive Measures of it”, *Iranian Journal of Surgery*, year 26, No 2 [In Persian].
- Falah Makerani, Oveis (2012), “Study on Motivations of Happening acid Attack with a View to the the Law and Society”, *Journal of Law Articles* (Haghgostar), Available at:
<http://www.vekalat.org/public.php?cat=2&newsnum=2185540>, (last visited on 1398/10/4), [In Persian].
- Heidari, Abbas-Ali (2006), “jurisprudential and Critical Analysis of Payment of Blood Money from Public Treasury in Islamic Penal Code”, *Journal of History of civilization and Jurisprudence*, No 9, pp. 44-68 [In Persian].
- House of Commons Library (UK Parliament). (2017). (Briefing Paper by Sally lipscombe, Georgina Hutton), Acid Attacks, Number CBP 8041, Available at:
(<https://researchbriefings.parliament.uk/ReasearchBriefing/Summary/CBP-8041>). last visited on 26/12/2019.
- Huma Gulrez. (2016). *Living with Facial Disability: The Experience of Female Survivors of Acid Attack in Pakistan* (Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies of The University of Manitoba), Available at: (https://mspace.lib.umanitoba.ca/xmlui/bitstream/handle/1993/31242/Gulrez%20_Huma.pdf?sequence=3&isAllowed=y). last visited on 28/12/2019.
- Jordan Swanson. (2002). “Acid Attacks: Bangladesh's Efforts to Stop the Violence”, SPRING, *International Health*, Volume 3, Number 1, Available at:
(<https://www.hcs.harvard.edu/~epihc/currentissue/spring2002/swanson.php>). last visited on 29/12/2019.
- Kalantry, Sital & Jocelyn Getgen. (2011). *Combating Acid Violence in Bangladesh, India and Cambodia*. Avon Global Center for Women and Justice at Cornell Law School and the New York City Bar Association.

- paper1, Available at: (https://scholarship.law.cornell.edu/avon_clarke). last visited on 29/12/2019.
- Kharazmi, Hananeh (2012), "Study on Acid Attack with a View to Islamic Penal Code", Available at: <mehrkhaneh.com/fa/new/2901>, (last visited on 1391/2/20) [In Persian].
- Mahmoodi, Afsaneh (2013), *Supporting of Victims of Acid Attack in Criminal Justice System of Iran*, Thesis for Master of Criminal Law and Criminology, University of Tarbiat Moddares [In Persian].
- Mamta Patel. (2014). "A Desire to Disfigure: Acid Attack in India", Department of Criminology and Forensic Science, Dr. H.S.G. University Sagar., *International Journal of Criminology and Sociological Theory*, Volume 7, No. 2.
- Mazaheri, Amirmasoud (2016), "Critical Study on Punishment of Acid attack", *Journal of Judicial Precedent (Criminal Law)*, year 2, pp. 9-18 [In Persian].
- Mir Mohammad sadeghi, Hossein, (2013), *Offences Against the Person*, 13th edition, Tehran, Mizan publication [In Persian].
- Mir Mohammad sadeghi, Hossein, (2009), *Offences Against Security of the State and Public Tranquility*, 13th edition, Tehran, Mizan publication [In Persian].
- Mousavi Bojnurdi, Seyed Mohammad; Chatrchi, Nooshin (2011), "Responsibility for Payment of Blood Money from Public Treasury Under the Rule 'Alkharaaj Bezamaan' According to the View of Imam Khomeini", *Matin Research journal*, year 13, No. 50, pp. 24-34 [In Persian].
- Mousavi Hamedani, Seyed Mohamad-bagher, (2008), *Translation of Tahrirolvasileh*, Vol. 4, second edition, Tehran, daarolelm publication [In Persian].
- Najafi Abrandabadi, Ali-hosein (2004) "Fair Prevention of Crime", *Journal of Criminal Science Articles*, Samt publication, first edition [In Persian].
- Nazari Tavakoli, Saeed; Kerachian sani, Fatemeh, (2020), "Enforcement of Retaliation in Acid Attack", *Majles va rahbord Research Journal*, year 27, No. 103, pp. 113-132 [In Persian].
- Rasekh, Mohammad (2006), "Intrinsic and Transverse Features of Act", *Journal of Majles va Pajuhesh*, 13th year, No.51, pp.14-39 [In Persian].
- Rayejian Asli, Mehrdad (2013), "A Victimological Analysis on Acid Attack (with a View to the Case of Ameneh Bahrami Navaa)", *Journal of Criminal Law Research*, second year, No.4, pp. 9-32 [In Persian].
- Research Center of Study of Judicial Precedent of Institute of Judiciary, (2014), *meetings of Critical Analysis of Judgments of Acid Attack*, first edition, Tehran, Center of Publications of Judiciary [In Persian].

- Research Center of Study of Judicial Precedent of institute of Judiciary, (2017), *meetings of Critical Analysis of Judgments of Possibility of Enforcement of Retaliation in Acid Attack*, first edition, Tehran, Center of Publications of Judiciary [In Persian].
- Paad, ebrahim, (2002), *Offences Against the Person*, Volume 1, first edition, Tehran, roham publication [In Persian].
- Pawn Mittal, Dhattarwal Sk, Vitriolage. (2014). "The Course of Human Origin", *Medical Science*, Volume 6, Number 21.
- Sadeghi, Mohammad; Sadeghi, Ali (2012), "legal Study on Payment of Blood Money from Public Treasury", *Rahbord Research Journal*, year 21, No 65, pp. 129-163 [In Persian].
- Taslima Yasmin, Acid Survivors Fundation (ASF). (2014). Implementation Status of the Acid Offences Prevention Act 2002 and the Acid Control Act 2002 in Bangladesh, Available at: (https://www.acidsurvivors.org/images/frontImages/Implementation_Status_of_Two_Acid_Acts.pdf). last visited on 21/12/2019.
- Von Werlhof E. (2014). "Scarred for life: The impact of the Acid Control and Acid Crime Prevention Act of 2010 on addressing violence against women in Pakistan", *International Review of Law*, Available at: (<https://journals.qu.edu.qa/index.php/IRL/article/download/1257/698/>) . last visited on 24/12/2019.
- Zandi, Mohammadreza; Ojaghloo, Saleh (2016), "Study on Acid Attack and Criminal Policy of Iran for it and Preventive Measures with a View to Islamic Penal Code", *Judgment Journal*. No. 86, pp.51-79 [In Persian].
- Judgments:
- Judgment. No.33863, on 19th January 2009, Branch 33 of Supreme Court [In Persian].
- Judgment. No.118, on 29th November 2008, Branch 71 of Criminal Court of Tehran Province [In Persian].
- Judgment. No. 9209970251800025, on 26th march 2013, Branch 104 of Criminal Court of Ray [In Persian].
- Judgment. No.600598, on 14th October 2013, Branch 101 of Criminal Court of Pishva [In Persian].